تفسیر احمد

سوره‌ء النصر

۱۳۹۴

ترجمه وتفسیر سوره النصر
تتبع و نگارش: الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مهتمم و دیزاین: الحاج سلیم عابد « پیمان »

(c) ketabton.com: The Digital Library

سوره النصر

این سوره در « مدینه » نازل شده و دارای 3 آیه است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾

ترجمه مؤجز:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بخشنده مهربان

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ »(1) «آنگاه که نصرت الهی بیاید وفتح وگشایش ».

«وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجاً» (2) «و مردم را ببینی که دسته دسته و گروه گروه داخل دین خدا می‌شوند».

«فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّاباً» (3) «پروردگار خود را سپاس و ستایش کن و از او آمرزش بخواه بی‌گمان او توبه‌پذیر است».

معلومات مؤجز:

(سورۀ النصر) مدنی بوده، داری (1) رکوع ، (3) سه آیت، (19) نوزده کلمه، (82) هشتاد ودو حرف و(34) سی وچهار نقطه است.

این سوره به اجماع مفسرین، مدنی است ونام آن سوره التودیع نیز می باشد. تودیع به معنای خداحافظی است، چون در این اشاره به نزدیک شدن وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم هست که به همین علت به آن سورۀ التودیع گفته شده است.

اسباب نزول سوره :

عبد الرزاق در « مصنف » از معمر از زهری روایت می کند : رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگام فتح مکه وارد آن شهر شد خالد بن ولید (رض) را بطرف (جناح پایین مکه مکرمه) فرستاد ، وآن بزرگواربا سپاه تحت فرمان خود در آن قسمت با برخی از سپاه قریش مواجه شد وبا آنها به جنگ پرداخت وخدا جل جلاله مشرکان را مغلوب ومسلمانان را پیروز کرد ودر آن حال مسلمانان به دستور پیامبر صلی الله علیه وسلم سلاح خود را از گلوی شکست خوردگان برداشتند ، وسپس آنها دین اسلام را پذیرفتند .

خلاصه ی تفسیر:

(ای محمد) وقتی مدد الله وفتح (مکه با آثار خود) برسند و(اثار مترتب بر آن فتح ، از این قرار هستند که) تو می بینی مردم را که گروه گروه در دین خدا (اسلام) داخل می شوند ، پس (آن وقت بدان که هدف از بقای شما در دنیا وبعثت شما ، که به خاطر تکمیل دین بود ، به پایان رسیده است ،اکنون سفر آخرت نزدیک شده است ، پس برای آن آماده باش ، و) برای پروردگارت تسبیح وتحمید انجام بده ، واز او آمرزش بخواه (از اموری که برخلاف انجام گرفته است (آمرزش بخواه) او بسیار توبه پذیر است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

وجه تسمیه :

این سوره بدین سبب «نصر» نام گرفت که با این فرموده خدای تبارك و تعالی:« إِذَا جَاء نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ » افتتاح شده است و مراد از آن، فتح مکه مکرمه یعنی همان فتح اکبری است که فتح‌الفتوح نام گرفت. برخی مفسرین می نویسند که مراد از آن تنها فتح مکه نه بلکه فتح کلی است که دین مقدس اسلام است آنرا نصیب گردید.

برخی از مفسرین ، این سوره را به نام «تودیع» نیز نامیده می‌شود از آن روی که رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم بعد از نزول آن فقط هفتاد روز زنده بودند و در ربیع‌الاول سال دهم هجری به رحمت حق پیوستند. ابن‌عباس رضی‌الله عنهما می‌گوید: «این آخرین سوره قرآن کریم از نظر نزول است». ابن‌عمر رضی‌الله عنهما می‌گوید: «این سوره در میانه ایام تشریق بر رسول خدا صلّی الله علیه وسلّم نازل شد پس دانستند که این پیام وداع است آن‌گاه سوار بر ناقه قصوی خطبه مشهور خویش را که خطبه حجة الوداع است، ایراد نمودند». و راجع به فضیلت آن در حدیث شریف آمده است: « إِذَا جَاء نَصْرُ اللَّهِ معادل ربع قرآن است».

برخی از مفسرین مینویسند:این سوره قبل از فتح مکه نازل شده است: در این سوره درجنب اینکه پروردگاربا عظمت ازفتح مکه به پیامبر اسلام مژده میدهد ، مژده این را هم میدهد که پرورد گار پیامبر اسلام را در این فتح یاری هم میرساند ومردم دسته دسته وگروه گروه داخل دین اسلام می گردند ، طوری که بسیاری از آنا ن یاوران او خواهند شد ، در حالیکه قبلاً دشمن سر سخت رسول الله صلی الله علیه وسلم بودند.

مفسرین می افزایند:

اطلاع از فتح قبل از وقوع آن در ذات خود معجزه‌ای از معجزات نبوت می‌باشد.

امام رازی رحمه الله این قول را صحیحتر می‌داند.

در حدیث شریف به روایت ابن‌عباس رضی‌الله عنهما آمده است که فرمود: چون سوره « **نصر**» نازل شد، رسول الله صلّی الله علیه و سلّم فرمودند: «با نزول آن خبر مرگ من به من داده شده است». اصحابه کرام نیز بر این معنی متفق‌القول‌اند و ایشان این معنی را از آن روی دانستند که امر مطلق به تسبیح، تحمید و استغفار دلیل بر آن است که کار ابلاغ دعوت به اتمام رسیده است و این‌خود اقتضا می‌کند که پیام آور حق صلّی الله علیه و سلّم از این دنیا رخت سفر بر بندد.

روایت شده است که چون این سوره نازل شد، رسول الله صلّی الله علیه و سلّم خطابه ایراد کرده و در آن فرمودند: «إن عبدا خیره الله بین الدنیا وبین لقائه والآخرة، فاختار لقاء الله: همانا خداوند بنده را در میان دنیا و میان آخرت و لقای خویش مخیر گردانید پس او لقای خدا را انتخاب کرد».

خوانندۀ محترم!

چیزی که خداوند پیامبرش را بدان مژده داده تحقق یافت. و اما فرمانی که خدا بعد از به دست آمدن یاری و فتح، پیامبرش را بدان فرمان داد این است که پیامبر باید او را به خاطر این چیز سپاس بگزارد و خدا را به پاکی یاد کند و از او آمرزش بخواهد.و

(c) ketabton.com: The Digital Library

همواره از او طلبِ مغفرت نماید، دین پیروز می‌گردد و بر پیروزی‌اش افزوده می شود، زیرا سپاس و ستایش و استغفارِ از مصادیق به جای آوردن شکر است.
خداوند می‌فرماید:« **لَئِن شَكَرْتُمْ لأَزِيدَنَّكُمْ** » (سوره ابراهیم: 7). «اگرشکرگزار باشید به شما بیشتر خواهم داد».
واقعآ هم عظمت اسلام در زمان رسول الله صلی علیه وسلم ودر زمان خلفای راشدین و بعد از آن چنان به عظمت وپیروزی دست یافت که هیچ یک از ادیان اسمانی به آن جا نرسیده بودند و چنان مردم به آن گرویدند که به دیگر ادیان نگرویده بودند.
انسان باید از پیروزی بدست آمده خویش شکر گزار باشد ، فاتحان اکثرآ بعد از فتح به امرا ض غرور وتکبر مبتلا می شوند ، وپیروزی را نتیجه شایستگی ها وبر ازندگی های می پندارند نسبت به دیگران احساس برتری می کنند ، وخواهان امتیاز می شوند ، احساس غرور وخود بزرگ بینی شان در برخوردبا دیگران نمایان می شود.
ولی انسان باید همواره به یاد خدا باشد؛ بی هیچ گونه فراموشی و در راه او گام بردارد؛ بدون هیچگونه معصیت؛ و اطاعت فرمان او کند خالی از هرگونه سرپیچی؛ و مسلم است که این اوصاف در کمتر کسی جمع می‌شود.
نقطه دوم که مفسرین در تفسیر این سوره مینویسند اینست که:
زمان مرگ پیامبر صلّی الله علیه و سلّم نزدیک شده است، و از آنجا که زندگی او بسیار با ارزش است خداوند به آن سوگند خورده است. و امور با ارزش از قبیل نماز و حج و غیره با آمرزش خواستن پایان می‌یابد. پس امر نمودن خداوند پیامبرش را به این که خدا را ستایش کند و از خدا آمرزش بخواهد، اشاره است به این که دوران حیات او به سر رسیده است و باید خودش را برای ملاقات با پروردگارش آماده نماید و عمرش را با بهترین چیزها به پایان ببرد.

موضوعات کلی این سوره:

موضعات کلی این سوره عبارتند از:
- پیشگویی فتح مکه
- پیشگویی ایمان آوردن مردم
- اشاره به رحلت پیامبر پیامبر صلی الله علیه وسلم
- شکر گذاری انسان از نعمتهای پروردگار با عظمت
- توبه پذیری و رحمت و لطف بی پایان پروردگار.

محتوا سوره:

این سوره بعد از هجرت نازل شده است، که در آن به رسول الله صلی الله علیه وسلم ، بشارت به پیروزی بزرگ وعظیمی می دهد ، که همان فتح مکه وبه تعقیب آن پیوستن گروه گروه از مردم به دامن دین مقدس اسلام میباشد .بنآء به شکرانه این نعمت بزرگ پیامبر صلی الله علیه وسلم را دعوت به «تسبیح » و « حمد » الهی و« استغفار» می کند.
گرچه دراسلام فتوحات زیادی رخ داد، ولی فتحی با مشخصات فوق جز « فتح مکه »

(c) ketabton.com: The Digital Library

نبود، بخصوص این که طبق بعضی از روایات ، اعراب معتقدبودند اگرپیامبراسلام محمد صلی الله علیه وسلم مکه را فتح کند و بر آن مسلط گردد این دلیل بر حقانیت اوست.
برخی از مفسرین می فرمایند که این سوره بعد از« صلح حدیبیه » درسال ششم هجرت ، و دوسال قبل از « فتح مکه » نازل گردید. ولی همه مفسرین در این مورد اتفاق دارند که هدف« إِذَا جَاء نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ » در مورد فتح مکه نازل شده است .وآنرا از لفظ « إِذَا جَاء » معلوم میدارند که سوره قبل از فتح مکه نازل شده است.
در روح « المعانی » به حواله « بحر المحیط » روایتی موافق با این آمده است که نزول این سوره بعد از بر گشت از غزوه خیبر بیان شده است ، وفتح خیبر قبل از فتحه مکه ، معروف ومشهور است .
در تفسیر « روح المعانی » به سند عبد بن حمید از حضرت قتاده منقول است که رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد از نزول این سوره تا دو سال زنده ماند.
حاصل این روایت نیز این است که این سوره قبل از فتح مکه نازل شده است ، زیرا از فتح مکه تا وفات آن حضرت صلی الله علیه وسلم از دوسال کمتر است .(این در صورتی است که وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم در سال 10 هجری باشد ، حا ل آنکه در سال 11 هجری اتفاق افتاده است ، زیرا در سال 9 هجری حضرت ابوبکر صدیق مراسم حج را بجا آورد ودر سال 10 هجری حجة الوداع شد ه پس وفات سال 11 هجری بوده است.).
فتح مکه در ماه مبارک رمضان در سال 8هجری به وقوع پیوست ووفات رسول الله صلی الله علیه وسلم در ماه ربیع الاول سنه 10 هجری اتفاق افتاد ،(سال 11 هجری وفات آن حضرت ؟ زیرا در سال 10 هجری حجه الوداع است که در ذوالحجه می باشد که پس از ربیع الاول است) لذا منظور از آنچه در بعضی روایات آمده است که این سوره در فتحه مکه یا حجه الوداع نازل شده است ، این می باشد که رسول الله صلی اله علیه وسلم آن را د ر این موقع در صحابه لاوت کرده است ومردم پنداشته اند که اکنون نارل گردیده است.
(غرض معلومات بیشتر مراجعه فرماید :به « بیان القرآن »
در حدیثی آمده است زمانیکه این سوره نازل شد و پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را بر یاران خود تلاوت کرد همگی خوشحال و خوشدل شدند ، در این میان حضرت عباس کاکا پیامبر صلی الله علیه وسلم به محض شنیدن این سوره گریان کرد واشک از چشمش بیان شد.
پیامبر صلی الله علیه وسلم از حضرت عباس پرسید ای کاکا چرا گریه می کنی حضرت عباس در جواب رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:گمان می کنم خبر رحلت شما در این سوره داده شده ای رسول الله !.
پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: مطلب همان گونه است که تو می گوئی .

تفسیر سوره :

«إِذَا جَاء نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» (1)«چون نصرت الهی و فتح فرارسد» یعنی: ای محمد صلّی الله علیه و سلّم! آنگاه که پیروزی الهی برایت علیه دشمنانت قریش به ظهور آید و

(c) ketabton.com: The Digital Library

مکه بر تو گشوده شود. نصر: عبارت از تأییدی است که دشمنان با آن مغلوب گردیده و مسلمانان بر آنان برتری پیدا کنند.

«فتح» : گشودن دیار دشمنان و ورود به خانه‌هایشان و نیز گشایش دلهایشان برای پذیرش حق است. پس فرق در میان «نصر» و «فتح» این است که: نصر همچون سببی برای فتح می‌باشد، از این جهت ابتدا نصر ذکر شد و سپس فتح بر آن عطف گردید.

«وَرَأَيتَ النَّاسَ يدْخُلُونَ فِى دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجاً »(2)(و ببینی که مردم فوج فوج در دین الله درآیند» یعنی: ای پیامبر صلّی الله علیه و آله وسلّم ! در هنگام رسیدن نصرت و فتح، مردم ـ اعم از اعراب و غیر آنان ـ را می‌بینی که گروه گروه و دسته دسته به دینی در می‌آیند که خداوند جلّ جلاله تو را بر آن مبعوث کرده است، بعد از آن‌که آنها یکی‌یکی یا دوتا دوتا به دین حق داخل می‌شدند. نقل است که وقتی رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم مکه را فتح کردند، اعراب گفتند: اما اکنون که محمد صلّی الله علیه و آله وسلّم بر اهل حرم غالب و پیروز شد درحالی‌که خداوند جلّ جلاله ایشان را از هجوم اصحاب فیل در پناه خود داشت، این خود برهان روشنی است بر این‌که محمد صلّی الله علیه و آله وسلّم بر حق است و شما علیه او قدرتی ندارید. لذا از ستیز و مقاومت دست برداشته و در مجموعه‌های بزرگی، گروه گروه و دسته دسته یکی بعد از دیگری به اسلام وارد می‌شدند و موج رویکرد به‌سوی اسلام چنان بود که یك قبیله تماماً به یکبار در اسلام داخل می‌شد. جمهور فقها و بسیاری از علمای کلام برآنند که: ایمان مقلد صحیح است زیرا حق تعالی بر صحت ایمان این افواج مردم که ایمانی تقلیدی بود، حکم کرد و آن‌را از بزرگترین احسانهای خود بر پیامبرش حضرت محمد صلّی الله علیه و آله وسلّم برشمرد و اگر ایمان شان صحیح نمی‌بود، در این مناسبت از آن یادی نمی‌کرد.

«فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّاباً »(3) (پس به حمد پروردگار خود تسبیح بگوی» این آیه، امر به تسبیح گفتن برای پروردگار متعال و ستایش برای وی را با هم جمع کرده است.

تسبیح گفتن برای پروردگار متعال از خوشحالی آن حضرت صلّی الله علیه و سلّم نسبت به رخدادهای عظیم پیروزی خبر می‌دهد که حتی به فکر ایشان و به فکر احدی از مردم خطور نمی‌کرد؛ و حمد و ستایش حق تعالی، در برابر صنع زیبا و رفتار روح افزایش با پیامبرش صلّی الله علیه و آله وسلّم و منت عظیم وی بر ایشان در نصر و فتح ام القری می‌باشد «و از او آمرزش بخواه» برای لغزشهایت؛ به عنوان نوعی تواضع و فروتنی برای حق تعالی و کوچك شمردن و اندك دانستن عمل خویش و نیز برای آموختن این امر به امتت «هرآینه الله همواره توبه‌پذیر است» یعنی: از شأن وی این است که برآمرزش خواهان توبه بپذیرد و بر آنان به رحمت بازگردد.

در حدیث شریف به روایت‌عائشه رضی‌الله عنها آمده است: «بعد از آن‌که سوره إِذَا جَاء نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ بر رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم نازل شد، آن حضرت صلّی الله علیه و سلّم هیچ نمازی را نمی‌خواندند مگر این‌که در آن می‌گفتند:

«سبحانك ربنا و بحمدك، اللهم اغفرلی » پروردگارا! پاکی تو راست همراه با ستایشت.

(c) ketabton.com: The Digital Library

بارالها! بر من بیامرز».
همچنین عائشه رضی‌الله عنها می‌گوید: «رسول الله صلّی الله علیه و سلّم در رکوع و سجده خویش بسیار می‌گفتند:« **سبحانك اللهم وبحمدك اللهم اغفر لی**».
حضرت ام سلمه در روایتی می فرماید :که رسول الله صلی الله علیه وسلم پس از نزول این سوره در هر نشست وبر خاست ورفت وآمد ، بلکه در هر حال این دعا را می خواند: « سبحان الله وبحمده ، استغفر الله واتوب الیه » ومی فرمود: که به من چنین دستور داده شده است ودر استدلال به آن « اذا جا ء نصر الله » را تلاوت می کرد.
حضرت ابو هریره می فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم پس از نزول این سوره در عبادت ، بیشتر مجاهده می کرد ، تا این که در پاهایش ورم می کرد . (قرطبی)
در حقیقت، این شیوه رسول اکرم صلّی الله علیه و سلّم تفسیر عملی این آیه از قرآن کریم است.
بخاری و دیگران از ابن‌عباس رضی‌الله عنهما در بیان سبب نزول این سوره روایت کرده‌اند که فرمود: عمر رضی الله عنه مرا با بزرگان بدر به مجلس خویش فرا می‌خواند اما گویی که برخی از آنان از این امر در اندرون خویش دغدغه‌ای می‌یافتند (یعنی ناراحت بودند). روزی عمر رضی الله عنه بزرگان بدر را به مجلس خویش فراخواند و مرا نیز با آنان به آن مجلس وارد کرد. من از این فراخوانی وی دریافتم که عمر رضی الله عنه امروز دیگر مرا با ایشان فرانخوانده است مگر به این هدف که (فضل) مرا به آنان نشان دهد. پس رو به آنان نمود و گفت: در تفسیر این فرموده خدای عزوجل:« **إِذَا جَاء نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ** » چه می‌گویید؟ برخی از ایشان گفتند: خدای عزوجل در این سوره به ما دستور داده است تا بعد از آن‌که ما را پیروز کردو فتح را نصیب‌مان گردانید، او را ستایش گفته و از او آمرزش بخواهیم.
برخی هم سکوت نموده و چیزی نگفتند. آن‌گاه عمر رضی الله عنه رو به من کرد و فرمود: ای ابن‌عباس! آیا تو نیز چنین می‌گویی؟ گفتم: خیر! بلکه نظر من این است که این آیه به فرارسیدن اجل رسول الله صلّی الله علیه و سلّم اشاره دارد.
یعنی خداوند جلّ جلاله با نزول » **إِذَا جَاء نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ**» ایشان را از نزدیك شدن وقت رحلتشان آگاه کرد و فرمود: آمدن نصرت و فتح، علامت فرارسیدن اجل توست؛ « فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ ... »: آن‌گاه تسبیح بگوی همراه با ستایش پروردگار خویش و از او آمرزش بخواه زیرا او بسی توبه‌پذیر است). عمر رضی الله عنه فرمود: من نیز بجز آنچه که تو گفتی، وجه دیگری برای نزول آن نمی‌دانم».

آخرین سوره و آخرین آیات قرآنی:

در صحیح « مسلم » از حضرت ابن عباس منقول است که سوره « نصر » آخرین سوره ی از قرآن است ، (قرطبی) مقصود این که بعد از آن سوره ی کاملی دیگر نازل نشده است ، نزول بعضی آیات در بعضی رویات که بعداز این بیان شده ، با این منافاتی ندارد ، هم چنان که سوره ی فاتحه اولین سوره از همه قرا« به این معنا ست که سوره ای کاملی قبل از فاتحه نازل نشده است ، ونزول چند آیه از سوره های « اقرأ ، مدثر » وغیره قبل

(c) ketabton.com: The Digital Library

از فاتحه با آن منافی نیست.
حضرت ابن عمر فرموده است که این سوره در حجة الوداع نازل شده است ، وپس از آن آیه « الیوم اکملت لکم دینکم » (سوره مائده ، 3) نازل گردیده ، وپس از نزول اینها رسول الله صلی الله علیه وسلم فقط هشتاد روز در دنیا ماند ند (وپس از هشتاد روز وفات کردند) وپس از آن دوتا آیه کلاله نازل گردید ، که پس ازآن فقط پنجاه روز از عمر آن حضرت مانده بود ، سپس آیه : «لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم » (سوره توبه آیه 128) نازل شد ، وبعد از آن از عمر رسول الله فقط سی روز باقی بود ، از آن به بعد آیه « اتقوا یوماً تر جعون فیه الی الله » (سوره بقره آیه 281) نازل گردید که پس از آن رسول الله در بیست و یکمین روز ومطابق روایت مقاتل هفتمین روز وفات نمود (تفسیر قرطبی)

تکبر:

پروردگار با عظمت ما در (آیه 23 سوره نحل) با زیبای خاصی می فرماید :«خداوند متکبّران را دوست نمی‌دارد ».
« **تکبّر** » یعنی اینکه انسان خود را نسبت به سایر انسا نها بلند وبالاتر بحساب ارد ، ودر ضمن معتقد هم باشد که نسبت به سایر انسانها برتری درد ، ودیگران به نظر اش کوچک جلوه نماید .
قرآن عظیم الشان در آیه 146 سوره اعراف میفرماید: « به زودی کسانی را که در روی زمین به ناحق ادّعای بزرگی می‌کنند، از (ایمان به) آیات خود، رویگردان خواهم ساخت » و «آنانی که بدون هیچ دلیلی با آیات الهی به مجادله بر می‌خیزند، در نتیجه نزد خدا و اهل ایمان سخت مورد غضب هستند و بدین گونه است که خداوند بر دل هر متکبّر جبّاری مُهر می‌زند» (آیه 35 سوره غافر)
تکبر اینست که :انسان خود را بالاتر از دیگران بشمارد ، و معتقد هم شود که بر آنها برتری دارد، و دیگری را کوچک شمارد. تکبر و خودبرتربینی؛ گاه انسان را در برابر پروردگار و پیامبران و فرستادگان الهی به تمرّد و سرکشی می‌کشاند و گاه او را در میان همنوعان و بندگان خدا به برتری‌جویی وا می‌دارد.
کبر و تکبر و استکبار- در معنی به هم نزدیکند، کِبر حالتی است که انسان با بزرگ دیدن خویش به آن صفت مخصوص میشود و این وقتی است که انسان جان و وجود خویش را از غیر خویش بزرگتر می بیند. بزرگترین و سنگین ترین تکبرها، تکبر بر خداوند در خودداری از قبول حق و عدم اقرار به آن در پرسش است. (مفردات راغب اصفهانی).
تکبر و غرور در حکم و شریعت خداوند جرم بسیار سنگینی است، خداوند نسبت به متکبران بسیار خشمگین است. لذا تکبر و غرور در برابر مسلمین حرام است، و از خصلتهای نکوهیده ای است که بنوعی جزو امراض قلوب می باشد، که بایست در فکر درمان آن بود.
در قرآن عظیم الشان تکبر از صفات بسیار نکوهیده بشر شمرده شده است. در برخی آیات به کلمه متکبر تصریح شده است؛ آیاتی که دوزخ را جایگاه متکبران معرفی می

(c) ketabton.com: The Digital Library

کند:« فَادْخُلُواْ أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ» (سوره نحل 29)یعنی: پس از درهای جهنم وارد شوید در حالی که در آنجا جاودانه خواهید بود. چه بد است جایگاه متکبران.

و تکبر موجب می شود که مسلمان وارد بهشت نشود، چنانکه حدیث صحیحی از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده است که می فرماید:«لایدخل الجنّة من کان فی قلبه مثقال ذرّةٍ من کبرٍ..». مسلم (131).«کسی که هم وزن ذره غرور و کبر در دل داشته باشد، وارد بهشت نمی‌شود.» روزی که خداوند بندگان را زنده نموده و در میدان حشر جمع خواهند شد، متکبران را در یک وضعیت بسیار حقارت آمیز حشر خواهد کرد.

در حدیثی که امام ترمذی أن را روایت کرده رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «يُحْشَرُ الْمُتَكَبِّرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْثَالَ الذَّرِّ فِي صُوَرِ الرِّجَالِ يَغْشَاهُمْ الذُّلُّ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ» مشكاة المصابيح: (635 -2) شماره: (5112).(متکبران روز قیامت در نهایت پستی و کوچکی مانند مورچه حشر می شوند، در حالی ذلت و نگون بختی از هر طرف آنان را احاطه کرده است.)

«**الذَّرّ**» به معنی مورچه است، معمولاً مردم به آنها توجه نمی‌کنند، در حالی که کسی متوجه آنها نمی شود، زیر پا و پایمال می شوند.

بنابراین هر مسلمانی که دارای این مریضی است باید در فکر تداوی ومعالجه آن گردد،و بجای کبر و غرور راه تواضع و فروتنی را درپیش گیرد، و بداند که آنکسی نزد خداوند متعال از همه گرامی تر است که اهل تقوای بیشتری باشد:« إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ » ﴿سوره الحجرات: 13﴾«در حقیقت ارجمندترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست».

یعنی برتری میان شما در نزد حق تعالی، فقط با تقوی است پس هر کس از تقوی برخوردار باشد، سزاوار آن است که گرامی‌تر، بهتر و برتر باشد بنابراین، تفاخر به نسب و ثروت و جاه و منصب دنیوی را فروگذارید.

و قطعا تقوی و تکبر با هم سازگار نیستند و کسی که اهل تقوا باشد، از خصلت غرور و تکبر مبراست.و کسانی که این مریضی درونی را دارند باید توبه کنند، و راه تزکیه نفس را در پیش گیرند و دیگر در مقابل با خواهر و برادر مسلمانشان احساس بزرگ بینی و غرور نکنند، تا به مرور زمان این مریضی علاج شود و جای خود را به تواضع و فروتنی بدهد، و خداوند متعال صفت مؤمنان را چنین بیان می کند: «أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ» (سوره مائده 54).یعنی: در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند.

صدق الله العظیم و صدق رسوله نبی الکریم.

(c) ketabton.com: The Digital Library

فهرست:

ترجمه مؤجز
معلومات مؤجز
خلاصه تفسير
وجه تسميه
موضوعات كلى سوره
محتواى سوره
تفسير سوره
تكبر

منابع و مأخذ های عمده:

- تفسير وبيان كلمات قرآن كريم (تاليف شيخ حسنين محمد مخلوف واسباب نزول علامه جلال الدين سيوطى ترجمه از عبد الكريم ارشد فاريابى
- تفسير انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤ ف مخلص هروى
- فيض الباری شرح صيح البخارى داكتر عبد الرحيم فيروز هروى
- تفسير طبرى - امام المفسرين
- تفسير الميزان
- تفسير پرتوى از قران
- تفسير القرآن الكريم - ابن كثير (متوفى سال 774 هـ)
- امام سيوطى كتاب « اسباب النزول »
- مفردات الفاظ القرآن،از راغب اصفانى
- جلوه های از اسرار قرآن مهندس حكمتيار
- تفسير معارف القران مولف حضرت علامه مفتى محمد شفيع عثمانى ديوبندى مترجم مولانا محمد يوسف حسين پور
- تفسير فى ظلال القرآن/ سيد قطب (متوفى سال 1387 هـ)
- تفسير نور تأليف دكتر مصطفى خرّم دل
- تفسير كابلى
- صحيح مسلم
- صحيح البخارى

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library